

اعتماد بخش خصوصی بسیار مهم بوده و می‌تواند زمینه‌ساز حضور فعالان اقتصادی ایران در عرصه جهانی آن‌هم در اوج تحریم‌ها شود؛ البته منابع زیادی به غیر از تحریم‌ها دست فعالان اقتصادی را جهت حضور در بازارهای جهانی بسته است، از همین رو از دولت محترم تقاضا دارم تدبیری در جهت رفع این مشکلات داخلی اندیشیده شود.

۲۲ ممنون از پاسخ‌های جامع شما. اگر ممکن است بیان کنید که چرا با همه این مسائل و موارد، ما از میان راهبردهای متنوع اقتصادی برای رسیدن به شکوفایی، اقتصاد مقاومتی را انتخاب کردیم؟

همچنان که در پاسخ به سؤال نخست شما عرض کردم «اقتصاد مقاومتی» یعنی اینکه اقتصاد ایران را «مقاوم» و «قوی» کنیم که این کار بسیار درست و مهم بوده و همه کشورهای قدرتمند صنعتی و توسعه‌یافته جهان نیز دالما در حال قدرتمند کردن اقتصاد کشورشان هستند، یعنی همه کشورها «اقتصاد مقاومتی» را در کشورشان اجرا می‌کنند، منتهی با اسم و نامی متفاوت.

بنابراین برای رشد و شکوفایی اقتصاد ایران هیچ راهبرد علمی و عملی دیگری وجود ندارد، مگر اینکه ابتدا قدم‌های محکم و اساسی در جهت «مقاوم»، «قوی» و «قدرتمند» کردن بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله تولید، صنعت، معدن، تجارت، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، خدمات و دهها مورد دیگر انجام دهند تا رفته‌رفته نتیجه این اقدامات در کل اقتصاد ایران عیناً مشاهده شود.

■ اجرای اقتصاد مقاومتی ما را از یک مونتاژگر به یک تولیدگر تبدیل می‌کند

۲۲ در مجموع به نظر شما مهم‌ترین ثمره اقتصاد مقاومتی برای تأمین استقلال اقتصادی کشور چیست و با تقویت چه مؤلفه‌هایی این هدف را محقق می‌کند؟

اجرای «اقتصاد مقاومتی» و «مقاوم» کردن اقتصاد موجب می‌شود تا صنعت ما از یک مونتاژکار صرف به یک طراح و تولیدکننده بزرگ تبدیل شود و با تأسی از اقتصاد رفته‌رفته در همه‌امور علمی و عملی نیز شاهد رشد بخواهیم بود و همین امر نه‌تنها بازارهای بزرگ جهانی را بر روی ما باز خواهد کرد و خانه‌های کشور را مملو از ارز و طلا می‌کند، بلکه باعث می‌شود اقتصاد ایران در برابر جنگ‌های اقتصادی و همچنین اعمال تحریم‌های خارجی کمر خم نکند و شکست نخورد و همین امر موجب استقلال اقتصادی ایران در تمامی‌امور خواهد شد.

ضمناً لازم به ذکر است که اجرای پتانسیل «اقتصاد مقاومتی» و استقلال اقتصاد ایران زمانی از قوه به فعل درمی‌آید که دولت سیاست‌گذار و بسترساز «اقتصاد مقاومتی» باشد و پیاده‌سازی تمامی‌امور به دست توأمند بخش خصوصی، فعالان اقتصادی و کارآفرینان غیر دولتی اجرا شود؛ در غیر این صورت با دخالت دولت در اجرای «اقتصاد مقاومتی»، قطعاً چیزی جزء شکست عایدان نخواهد شد.

رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در شماره بعدی روزنامه سپهرغرب به چاپ خواهد رسید.



مهم‌تر اینکه بخش خصوصی است که می‌تواند میلیون‌ها شغل ایجاد و کشورمان را از معضل عمیق بیکاری نجات دهد؛ اما متأسفانه با انفعال نسبی این بخش روبرو هستیم. قطعاً نقش ضعیف این بخش در اقتصاد و فقدان نهادهای مدنی و منفی مؤثر و قدرتمند جهت تأمین منافع بخش خصوصی و رفع موانع کسب‌وکار در بروز این انفعال بی‌تأثیر نیست.

بخش خصوصی ایران به «شیر بی‌بال‌ودمی» تبدیل شده که فقط نام «شیر» را یدک می‌کشد و افسوس که فقط شیربی پلاستیکی است که داخل آن را با بساد پر کرده‌اند و با فرو رفتن سوزنی بر بدنش، باد آن خالی می‌شود. مع‌الوصف خصوصی‌سازی در معنای محدود خود عبارت است از واگذاری شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی و یا شریک کردن آن‌ها در این دارایی‌ها؛ در صورتی که این اقدام باید زمینه‌ساز ثروتمند شدن شهروندان ایرانی و فراهم‌کننده شرایطی برای بخش خصوصی واقعی در فضایی سالم، رقابتی و پرسود در عرصه اقتصاد جهانی باشد. آیا چنین اراده‌ای در دولت‌های گذشته و دولت فعلی وجود دارد که با وجود تلاش برای کوچک کردن تصدی‌گری خود در اقتصاد، بخش خصوصی را (که خود دولت مانع رشد آن شده) به‌عنوان جایگزین و بازیگر اول در عرصه اقتصاد، حمایت و تقویت کند؟

با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری و توصیه مهم اقتصادی چند سال پیش ایشان به دولت سابق در جهت حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی باید گفت که اجرای موارد ذکر داده‌شده توسط معظم‌له به دولت سابق از جمله: (۱- حل مشکلات معیشتی مردم و تلاش جدی برای کاهش تورم و کنترل نقدینگی و هدایت آن به سمت تولید ۲- توانمندسازی بخش خصوصی ۳- دنبال کردن اجرای اصل ۴۴ با دقت و وسواس هرچه تمام‌تر، ۴- حفظ روحیه تلاش و پرکاری در دولتمردان ۵- استفاده از همه ظرفیت‌های بخش دولتی و خصوصی ۶- مبارزه با مفاسد اقتصادی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری ۷- حمایت از تولید ملی با تأکید ویژه بر رسیدگی به مشکلات کارخانه‌ها و فعال‌سازی واحدهای متوسط و کوچک با مدیریت منابع ارزی ۸- مبارزه با اسراف و حفظ روحیه صرفه‌جویی با تأکید بر ممنوعیت مصرف کالاهای خارجی در دستگاه‌های دولتی ۹- اهتمام ویژه دولت برای تحقق وعده‌های داده‌شده ۱۰- توجه به شرکت‌های متکی به اقتصاد دانش‌بنیان و حل مشکلات آن‌ها) در جهت بازگشت

رئیس مرکز تجارت جهانی ایران با نگاهی به راه‌های تداوم دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب تأکید کرد: اجرای اقتصاد مقاومتی ما را از یک مونتاژکار به یک تولیدکننده تبدیل می‌کند

به بخش خصوصی بی‌توجه نباشیم

اما انظار اینجانب بخش خصوصی یعنی مجموعه‌ای که هیچ وابستگی به دولت چه از نظر بودجه‌ای و چه از نظر مدیریتی نداشته باشد و تنها به فکر، پول و تعاریف ارائه‌شده در گذشته و حال، باید اعلام کنیم که بخش خصوصی نیازمند رهبری توانمند برای خود است تا ضمن رفع مشکلات و موانع پیش رو، راهگشا و هموارکننده فعالیت‌های آن بخش نیز باشد. در همین راستا دولت ثابت کرده است که هیچ‌گاه رهبر خوبی برای بخش خصوصی نبوده و نیست چون در فعالیت‌های اقتصادی خود رقیب بزرگی برای بخش خصوصی به حساب می‌آید، پس هیچ رقیبی نمی‌تواند رهبر و راهگشای رقیب خود باشد! بنابراین دور دولت را در این زمینه باید خط کشید، اما غالب نهادهای متشکل‌های غیر دولتی نیز این مأموریت را به‌خوبی انجام نداده و عملکردشان موجب سلب اعتماد بخش خصوصی از آنان شده است که خود جای تأمل و بازنگری مجدد دارد. همه‌اها دارند که کارهای فراوانی در جهت رفع مشکلات فعالان اقتصادی انجام داده‌اند، اما در عمل چیزی به چشم نمی‌خورد.

■ بخش خصوصی یتیمی بوده که به دنبال والدینی دلسوز و قدرتمند است

اینکه مدیران و فعالان اقتصادی بخش خصوصی را فقط برای مقاصد و منافع خود بخواهیم، و در این راستا از آن‌ها در مواقع لزوم بهره‌کشی کنیم و بعد از اینکه رفع احتیاج شد دیگر کاری به آن‌ها نداشته باشیم، کار پسندیده‌ای نیست؛ نباید آنان را به حال خود رها کنیم و پیگیر مشکلاتشان نباشیم. نبود حمایت‌های کافی و عدم پیگیری مشکلات بخش خصوصی و به بازی گرفتن فعالان اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های مهم کشوری این شباهت را به‌وجود آورده که بخش خصوصی ایران و بی‌سرپرست بوده و به دنبال والدینی دلسوز و قدرتمند است که هنوز موفق به پیدا کردن آن‌ها نشده، به‌طور مثال نهادهای و تشک‌ها و مجموعه‌های متعددی هستند که خود را رهبر و پشتیبان بخش خصوصی اعلام می‌کنند (همچون اتاق‌های بازرگانی و اتاق تعاون و یا سازمان توسعه تجارت و غیره)، اما طبق گفت‌وگویی که جمعی از فعالان اقتصادی با اینجانب در گذشته و حال داشته‌اند، اکثراً از عملکرد این نهادهای انجمنان رضایتی نداشته و از برخورد‌ها گلمند بودند!

■ بخش خصوصی قوی یاری‌گر رونق اقتصادی

شکی نیست که ایجاد یک بخش خصوصی قوی می‌تواند به رونق اقتصادی و بهبود وضعیت رقابت در بازار کمک کند، به‌علاوه ورود سرمایه‌های بخش خصوصی اثر بسیار مهمی بر شکوفایی اقتصاد خواهد گذاشت. از همه

کار وارد کنیم!
■ به بخش خصوصی بی‌توجه نباشیم
۲۲ حال با توجه به مسائل و موارد ذکر شده باید گفت یکی از حوزه‌هایی که به نظر می‌رسد می‌تواند در رونق‌بخشی به اقتصاد کشور کمک کند، بخش خصوصی است؛ شما ظرفیت این بخش را چگونه ارزیابی می‌کنید و مشکل را در این حوزه برای عدم بهره‌مندی کافی از آن چه می‌دانید؟
واقعیت انکارناپذیری که در جهان امروز پیش روی ما است اینکه بخش اعظم و مهمی از فعالیت‌های هر کشوری بر دوش بخش خصوصی آن بوده و غالباً بدون وجود این بخش، مطمئناً چرخ کشورها پنچر شده و لنگ می‌زنند؛ زیرا سیاستمداران برای کشورداری خود به پول‌های کلان نیاز دارند و به خزانه خالی از پول هیچ کاری نمی‌توانند پیش ببرند.

اکثر بخش‌های دخیل در اداره امور هر کشوری مصرف‌کننده پول هستند، اما تنها بخشی که مولد پول بوده، بخش خصوصی و فعال اقتصادی آن کشور است؛ پس بخش خصوصی یعنی «پول و ثروت» که می‌بایست آن را در پنبه نگهداری کرد تا خدشهای بر آن وارد نشده و منبع درآمد کشور لطمه نبیند. اما در کشورهایی که دارای ذخایر نفتی و زیر زمینی بوده و درآمد دولت وابسته به فروش نفت و خام‌فروشی است، ارزش زیادی برای بخش خصوصی و فعالان اقتصادی قائل نیستند، البته در این کشورها نیز توجه دولتمردان به این بخش شدت و ضعف دارد، مثلاً در ایران کم‌توجهی به بخش خصوصی شدت داشته که خود به معضل بزرگی مبدل شده است.

■ لزوم پیاده‌سازی سیاست‌های تبیین‌شده مقام معظم رهبری در زمینه «اقتصاد مقاومتی»

مع‌الوصف چنانچه در ایران اسلامی نیز دولت محترم اقدامات اجرایی خود درخصوص پیاده‌سازی سیاست‌های تبیین‌شده مقام معظم رهبری در زمینه «اقتصاد مقاومتی» را آغاز و این پتانسیل را از قوه به فعل دریاورد، قطعاً صنعت پروبال می‌گیرد، چرخ تولید به نحو احسن راه می‌افتد، صادرات غیر نفتی به‌طور چشمگیری رشد می‌کند، درآمدهای ارزی کشور به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد، تراز تجاری ایران مثبت می‌شود و نهایتاً رشد اقتصادی در کشورمان سیر صعودی پیدا می‌کند.

تمامی مؤلفه‌های فوق‌الذکر که به‌واسطه اجرای صحیح و دقیق «اقتصاد مقاومتی» در کشور رخ خواهند داد، منجر به رشد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بیکاری خواهند شد که چه‌بسا برای جذب نیروی کار در داخل ایران با کمبود نیز مواجه شویم؛ از همین رو به‌جرات اطمینان می‌دهم که با اجرای «اقتصاد مقاومتی» برای جبران نیروی کار، مجبور شویم تا از خارج کشور نیروی

دلالی و روی آوردن به مشاغل کاذب و فساد، افزایش پیدا می‌کند؛ کاهش توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی از دیگر تبعات سوء بیکاری در عرصه اجتماع است و اقشار فقیر که نیازمند کمک از سوی نهادهای حمایتی هستند، بیش از گذشته در تنگنا قرار می‌گیرند.

■ عملکرد غلط برخی دولتمردان موجب شده تا امروز شیرینی رشد و پیشرفت ایران در چهل‌سالگی انقلاب اسلامی کم‌تر احساس شود
این روزها در چهل‌سالگی انقلاب اسلامی قرار داریم و پیشرفت‌های ۴۰ ساله این انقلاب مشهود است، اما از سویی متأسفانه سیاست‌های غلط و عملکردهای نادرست برخی از دولتمردان موجب شده تا اقتصاد کشور به‌شدت مریض باشد و اوضاع‌واحوال اقتصاد و همچنین معیشت مردم آبدار در شأن ایران و ایرانی نباشد؛ در این راستا چند سالی است که سوء مدیریت دولت (تورم سنگین، رکود اقتصادی، افزایش نرخ دلار و ارزهای خارجی در برابر ریال و کاهش ارزش پول ملی، افزایش هزاران هزار میلیاردی نقدینگی در جامعه، رشد قاچاق و از همه مهم‌تر افزایش نرخ بیکاری) را برای مردم عزیزمان به ارمان آورده که همین عملکرد غلط موجب شده تا امروز شیرینی رشد و پیشرفت ایران در چهل سالگی انقلاب اسلامی کم‌تر احساس شود.

و اما در پاسخ به قسمت دوم سؤال شما درخصوص رفع معضل بیکاری آن‌هم با توسل به «اقتصاد مقاومتی» باید ابتدا به زبان ساده و عامیانه خدمتتان عرض کنیم که «اقتصاد مقاومتی» یعنی اینکه اقتصاد ایران را «مقاوم» و «قوی» کنیم که این کار بسیار درست و پسندیده بوده و در این راستا لازم به ذکر است بداییم که کشورهای قدرتمند صنعتی و توسعه‌یافته جهان نیز دالماً در حال قدرتمند کردن اقتصاد کشورشان هستند؛ یعنی همه کشورها «اقتصاد مقاومتی» را در کشورشان اجرا می‌کنند، منتهی هر یک «اقتصاد مقاومتی» را با اسم و نامی متفاوت انجام می‌دهند؛ پس چنانچه آن کشورها بر معضل بیکاری فائق آمده و اشتغال چشمگیری در کشورشان به‌وجود آورده‌اند، فقط و فقط به‌واسطه اقتصاد قدرتمندشان است.

■ لزوم پیاده‌سازی سیاست‌های تبیین‌شده مقام معظم رهبری در زمینه «اقتصاد مقاومتی»

مع‌الوصف چنانچه در ایران اسلامی نیز دولت محترم اقدامات اجرایی خود درخصوص پیاده‌سازی سیاست‌های تبیین‌شده مقام معظم رهبری در زمینه «اقتصاد مقاومتی» را آغاز و این پتانسیل را از قوه به فعل دریاورد، قطعاً صنعت پروبال می‌گیرد، چرخ تولید به نحو احسن راه می‌افتد، صادرات غیر نفتی به‌طور چشمگیری رشد می‌کند، درآمدهای ارزی کشور به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد، تراز تجاری ایران مثبت می‌شود و نهایتاً رشد اقتصادی در کشورمان سیر صعودی پیدا می‌کند.

تمامی مؤلفه‌های فوق‌الذکر که به‌واسطه اجرای صحیح و دقیق «اقتصاد مقاومتی» در کشور رخ خواهند داد، منجر به رشد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بیکاری خواهند شد که چه‌بسا برای جذب نیروی کار در داخل ایران با کمبود نیز مواجه شویم؛ از همین رو به‌جرات اطمینان می‌دهم که با اجرای «اقتصاد مقاومتی» برای جبران نیروی کار، مجبور شویم تا از خارج کشور نیروی

سپهرغرب، گروه رویداد – شکبیا کولینود: رئیس مرکز تجارت جهانی ایران با نگاهی به راه‌های تداوم دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی، تأکید کرد: اجرای اقتصاد مقاومتی و مقاوم کردن اقتصاد موجب می‌شود تا صنعت ما از یک مونتاژکار (سوارکننده، قطعه‌بند) صرف به یک طراح و تولیدکننده بزرگ تبدیل شود و با تأسی از اقتصاد، رفته‌رفته در همه‌امور علمی و عملی نیز شاهد رشد خواهیم بود؛ همین امر نه‌تنها بازارهای بزرگ جهانی را بر روی ما باز خواهد کرد و خزانه‌های کشور را مملو از ارز و طلا می‌کند، بلکه باعث می‌شود اقتصاد ایران در برابر جنگ‌های اقتصادی و همچنین اعمال تحریم‌های خارجی کمر خم نکند و شکست نخورد و همین امر موجب استقلال اقتصادی ایران در تمامی‌امور خواهد شد.

در بررسی دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی یکی از موضوعات حائز اهمیت، توجه به بحث و جایگاه اقتصاد مقاومتی است؛ بدین‌سان گفت‌وگویی با محمدرضا سبزیلیپور، رئیس مرکز تجارت جهانی ایران صورت گرفت که گزارش کامل آن را در ادامه به‌صورت مبسوط می‌خوانید:

۲۲ جناب سبزیلیپور در چهل‌سالگی انقلاب اسلامی قرار داریم و یکی از چالش‌های پیش رو بیکاری به‌ویژه بیکاری جوانان است؛ به نظر شما چگونه می‌توان با شاه‌کلید اقتصاد مقاومتی این معضل را حل کرد؟

بله، بیکاری یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که توانان و تعادل در جامعه‌ای را بهم می‌ریزد و باعث ایجاد بحران‌های متعدد در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بدتر از همه موجب بیماری‌های روانی می‌شود. بیکاری درواقع شاه‌راه اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است و حل آن بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی روحی و روانی جامعه را برطرف می‌کند؛ تأثیرات سوء بیکاری را می‌توان از دیدگاه جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانی بررسی کرد که در این مبحث قصد ندارم معضل بیکاری را به شکل عمیق مورد واکاوی و بررسی قرار دهم.

بیکاری مهم‌ترین علت افزایش بزهکاری‌های اجتماعی بوده و ارتباط افزایش بیکاری با ازایاد بزهکار در جامعه از قدیم‌الایام بر همگان ثابت شده، کاهش روابط اجتماعی و سست شدن پیوند فرد با پیکره اجتماع از دیگر اثرات سوء بیکاری است؛ اجتماعی که در آن بیکاری ریشه دوانیده باشد، به‌سرعت شاهد کاهش جریان‌های اجتماعی مثبت خواهد بود و مباحثی همچون سازگاری، همکاری و توافق در مقابل تعارض و مخالفت رنگ می‌بازد.

و توسعه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی را با مشکل روبرو می‌کند. بدیهی است که نخستین تأثیر بیکاری، کاهش درآمد است و کاهش درآمد نه‌فقط یک فرد و یک خانواده، بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جامعه‌ای که عرضه و تقاضا متعادل نباشد، رونق اقتصادی به چشم نمی‌خورد و برعکس، واسطه‌گری و

